



سال دوازدهم / زمستان ۱۴۰۲

در غیاب بهشت زهرا: واکاوی تجربه زیسته افراد سوگوار تهرانی در سوگواری مجازی^۱

• سبحان یحیایی^۲، فرید عزیزی^۳، کمال خالق پناه^۴

تاریخ دریافت: ۰۲/۶/۲۶، تاریخ تایید: ۰۲/۸/۱۹

Doi: <https://doi.org/10.22034/scm.2024.185878>

چکیده

سوگواری، بازماندگان را یاری می‌دهد. از یک سو خاطرات مربوط به او را در اذهان جمعی بازسازی می‌کند و از سوی دیگر آن‌ها را با واقعیت خشن مرگ به نحو عقلانی‌تری آشنا می‌کند یاری می‌رساند تا تجربه نبودن و فقدان فرد متوفی را تاب آورند و زندگی شادتری را سپری کنند، اما در دوره کرونا، با رواج پدیده سوگواری مجازی، برای بسیاری از بازماندگان مسئله سوگواری، حاوی صورت‌بندی‌های اجتماعی پیچیده‌تری شد. در این دوران، مسائلی مانند خداحافظی بدون وداع، سوگواری بدون تسلی، سوگ پیچیده و بسیاری دیگر از این موضوعات مطرح شد تا به مسئله‌مندی سوگواری مجازی اشاره شود. موضوع پژوهش حاضر واکاوی تجربه زیسته افراد سوگوار تهرانی در سوگواری مجازی بود. برای تحلیل یافته‌ها از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. به‌طور کلی پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات هفت مقوله «رهایمی‌بخشی، سوگواری سترون، همزیستی سوگواری سنتی و مجازی، خسران مضاعف، گسیختگی سوگواری، آرامش صوری و پیومندمندی با متوفی» استخراج شد.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، مرگ، سوگواری، سوگواری مجازی، پدیدارشناسی.

۱ مقاله حاضر از رساله دکتری با عنوان «کاوش پدیدارشناختی معنای سوگواری در عصر کرونا: تجربه زیسته افراد سوگوار در سوگواری مجازی» استخراج شده است.

۲ استادیار دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه؛ yahyaei.sobhan@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری علامه طباطبائی، گروه علوم ارتباطات؛ mrfaridaziii@gmail.com

۴ استادیار دانشگاه کردستان؛ kkhaleghpanah@gmail.com

فصلنامه علمی جامعه، فرهنگ و رسانه / سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۲ / ص ۴۳-۷۴

طرح مسئله

مرگ نه تنها موضوعی در رابطه با جسم و حیات فردی، بلکه موضوعی است اجتماعی. مرگ فرجام زندگی انسان است و احساسات و عواطف ناشی از این خسران غم و اندوه را میان بازماندگان فرد متوفی سبب می‌شود. سوگواری، واکنشی است از جانب بازماندگان متوفی نسبت به مرگ او؛ مرگی که در مقام نوعی خسران عظیم، طی مراسم سوگواری در قالب احساسات و عواطف جمعی بازسازی می‌شود و افراد با گریستن بر سر دیگری با واقعیت مادی مرگ کنار می‌آیند. سوگواری، بازماندگان فرد متوفی را یاری می‌دهد از یک سو خاطرات مربوط به او را در اذهان جمعی بازسازی کنند و از سوی دیگر آن‌ها را با واقعیت خشن مرگ به نحو عقلانی‌تری آشنا می‌کند. تا تجربه نبودن و فقدان را تاب آورده و زندگی شادتری را از سر بگذرانند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶). طی فرایند خاکسپاری مردگان، داغداران و سوگواران با غم و مویه‌های خود به پیکره‌بندی تعاملات اجتماعی حول شخص از دست‌رفته کمک می‌کنند و آیین‌هایی را که ریشه در فرهنگ بشریت دارند، زنده می‌کنند. از دوران گذشته تا عصر مدرن، مرگ و همچنین سوگواری تغییرات چشمگیری داشته است و مناسک جدیدی جایگزین برخی از مناسک کهن شده‌است برخی از این تغییرات، نشأت گرفته از پدیده فردگرایی است، که همراه با خود منجر به تحول عظیمی در مناسک پیرامون مرگ شده است. علاوه بر این به‌زعم برخی از دانشوران علوم اجتماعی نظیر الیاس، با مدرن شدن تدریجی جامعه، بشر مدرن به نحو بی‌سابقه‌ای به سرکوب فزاینده مرگ و آیین‌های آغازین آن پرداخته است. این تحولات منجر به تحویل فرد متوفی به دست بوروکرات‌ها در بیمارستان شده است، افرادی که اکنون در مقام یک بوروکرات مسئول مراسم کفن و دفن و خاکسپاری مردگان هستند. این‌ها تنها کلیه تغییرات پیرامون مناسک آیینی سوگواری نیست، بلکه رخداد‌های غیرمنتظره‌ای نظیر جنگ و بیماری همواره می‌توانند بر مناسک عصر حاضر اثر بگذرانند.

در دوران کنونی با ظهور ویروس ناشناخته کرونا در ووهان چین و متعاقب آن گسترش آن در سایر نقاط جهان، بیشتر کشورها با اعمال مداخلات رفتاری و اجتماعی در سطح گسترده برگزاری مراسم تشیع جنازه را ممنوع کردند. اکثر حکومت‌های سراسر جهان زیر لوای پرچم علم پزشکی مدرن به دلیل احتمال آلودگی و ابتلای افراد در مراسم سوگواری، هر نوع سوگواری حضوری را ممنوع ساختند. یکی از راهکارهای این کشورها در مواجهه با پیامدهای ویرانگر کرونا، برگزاری آنلاین مراسم سوگواری و حتی امور مربوط به کفن و دفن بود. در سراسر

جهان، دستورالعمل‌ها و سیاست‌های جدیدی برای مدیریت اجساد و تشییع و دفن جنازه برای جلوگیری از گسترش عفونت اجرا شد. مطابق این دستورالعمل‌ها، فقط افراد نزدیک خانواده متوفی به شرط رعایت قوانین فاصله اجتماعی مجاز به شرکت در این مراسم هستند و مهم‌تر از همه تعداد افراد شرکت‌کننده در این مراسم نباید زیاد باشد. همچنین در این رهنمودها ذکر شده هر کسی که علائم ویروس کرونا دارد و یا در قرنطینه است نباید در مراسم خاکسپاری شرکت کند. اگرچه چنین سیاست‌ها و مقرراتی در کنترل شیوع ویروس کرونا بسیار کمک می‌کند، اما روند غم و اندوه را پیچیده‌تر می‌کند (کیانی و هاشمی‌نسب، ۱۳۹۹).

هرچند به لحاظ صبغه تاریخی، این سناریوی بهداشتی پدیده تازه‌ای نیست و در واقع طی همه‌گیری بیماری آنفلانزا در سال ۱۹۱۸، کشورهای نظیر ایتالیا ملاقات با افراد بیمار و شرکت در مراسم تشییع جنازه را ممنوع ساخته بود، اما این اصل بهداشتی در بحران فراگیر ویروس کرونا اثرات چشمگیرتری بر مناسک، تعاملات و روابط افراد عزیز از دست داده در سرتاسر جهان برجای گذاشته است. اکنون مداخلات بهداشتی دولتی نه تنها شکل تازه‌ای به این مناسک داده است، بلکه همچنین ترس از گسترش بیماری کرونا و احساس گناه در رابطه با گسترش ناآگاهانه این بیماری سوگواران را مجبور ساخته است در قالبی جدید و در اشکال و تعاملات آنلاین جدید مراسم را برگزار کنند. در دوره کرونا، افرادی که به دلیل بیماری و یا عوامل یا سانه‌ای، عزیزی را از دست دادند، به دلیل مقررات سخت‌وسخت خاص شرایط بیماری کرونا دیگر نمی‌توانستند به ردوبدل کردن نشانه‌ها و مناسک نمادین پیرامون مرگ بپردازند و بنابراین بازماندگان متوفی بحران مرگ را به شکلی ناقص از سرمی‌گذراندند که در آن نه از اشتراک‌گذاری غم و اندوه بازماندگان برای مواجهه با مرگ «شخص عزیز» خبری بود و نه از گفتارها، نشانه‌ها و معانی برای آمرزش ارواح مردگان. مردم در طول همه‌گیری کووید ۱۹ نوعی عزاداری ناتمام و ناقص را تجربه می‌کنند، زیرا افرادی که پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنند از انجام مراسمی که معمولاً پس از فقدان انجام می‌شود، محروم می‌شوند (Mortazavi, et al., 2021).

در واقع در طی این پاندمی، اخبار مربوط به کرونا و فزونی ارائه شیوه‌نامه‌های بهداشتی فرد سوگوار را در معرض محرک‌های روانی/اجتماعی آن چنان زیادی قرار می‌دهد که وی نمی‌تواند واکنش فعالانه‌ای در برابر مرگ عزیز از خود بروز بدهد. شخص سوگوار همچون یک شخصیت بیگانه اسیر وهم‌آلوده‌های این جهان خیالی قرار می‌گیرد که در طی آن رخداد مرگ در قالب

شیوه‌های ارتباطی مجازی همچون شست‌وشوی قبر، نثار گل، ارتباط تصویری آنلاین با قبور، پیامک‌های اطلاع‌رسانی به میهمانان و پیامک‌های تسلیت، مصاحبه با بازماندگان و... صورت‌بندی می‌شود، آن‌چنان‌که تصاویر و ایماژهای آنلاین بر تجربه‌های شخصی «فرد سوگوار» غلبه کرده و روابط را بر محور نوعی نمایش خیال‌گون و رؤیایی بازصورت‌بندی می‌کند. این امر بدان معنا است که تجربه سوگواری مجازی پیوسته بیرون از فرد شکل گرفته و زیست جهان او هیچ پیوندی با این اشکال مجازی ندارد. نه خروارها پیامک تسلیت مجازی و نه به نمایش درآوردن مراسم دفن آنلاین و همچنین نه خاطرات شخص در گذشته هیچ‌یک اکنون نخواهد توانست آرامشی برای بازماندگان به ارمغان آورد. به تدریج طی این فرایند آنلاین، شخص سوگوار توان روایت کردن غم‌ها، دردها و احساسات تألم‌برانگیز را از دست می‌دهد و غم و اندوه در نبود محفلی برای سرریز، در جهان درونی در قالب شوک، تروماها و زخم‌های روانی انتقال ناشدنی و بیان تجمیع می‌شود. او به اغما می‌رود و زیر آوار نمایشی شده مراسم سوگواری، و بمباران پیامک‌های تسلیت، معنا و تجربه او به اضحلال می‌رود و تنها نظاره‌گر صرف این رخداد‌های مجازی می‌شود. جهان شکل گرفته پیرامون این نوع سوگواری هرچه بیشتر از تجربه‌های کهن در رابطه با معنای اصلی نهفته در آیین سوگواری-که آمیخته با یادآوری مرگ و اندیشیدن به آن همچون نوعی اصل طبیعی بود- فاصله گرفت و منجر به طرد آن حکمتی می‌شود که سوگواران را مجبور می‌ساخت خود را در غم بازمانده متوفی شریک سازند. گذر از شکل سنتی سوگواری به شکل آنلاین طی دوره کرونا خصلتی جهان‌گستر پیدا کرد. به صورتی که به خاطر ترس از گسترش ویروس این شکل بر گفتمان اجتماعی جوامع حکمفرما شد، اما چیره شدن این اصل در سرتاسر دنیا حاوی پیامدهای اجتماعی متفاوتی بوده است.

در ایران با گسترش تام و تمام ویروس کرونا در تمام لایه‌های اجتماعی و در پی پیامدهای غیرقابل کنترل جانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌اش، سیاست‌گذاران با همراهی علم پزشکی جدید سعی کردند با القای انواع آموزه‌های جبری اخلاق‌باورانه سیاست فاصله جمعی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی را در خصوصی‌ترین لایه‌های اجتماعی تجویز کنند. این سیاست‌گذاران سعی کردند در دوره کرونا تمام مراسمات و تجمعات (از جمله مراسم ختم و سوگواری) را تا اطلاع ثانوی و دست‌کم تا برگشتن اوضاع به شرایط عادی لغو کنند و نوعی وضعیت استثنایی را بر پیکره اجتماعی حکمفرما سازند. در پی اعمال این سیاست‌ها در برخی از مناطق ایران مراسم ختم تغییر ماهیت پیدا کرد و شکل‌های آنلاینی-که در تاریخ ایران به تماماً بدیع و تازه بود- از

این مراسمات جایگزین آن‌ها شد. این تغییرات منجر به حذف بسیاری از آیین‌های مرتبط با مراسم ختم نظیر شب اول، سوم، هفتم، چهلم با حضور دوستان، آشنایان و بستگان شد و بسیاری از کنش‌هایی نظیر قرائت فاتحه و ختم قرآن برای شادی روح فرد از دنیا رفته، که به سوگواری معنا می‌داد محو شدند و جای خود را به شکل‌ها و قالب‌های آنلاینی دادند که به تماماً منجر به انزوای خانواده سوگوار می‌شد.

به نظر می‌رسد از جمله شهرهایی که در ایران، به شدت متأثر از سیاست‌ها و قواعد بهداشتی سفت‌وسخت شد و در آن مراسم سوگواری در پاره‌ای از مواقع (به‌ویژه در اوایل بیماری کرونا) به صورت مجازی یا محدود در قالب اعضای خانواده انجام شد، شهر تهران بود. در دوره‌های پیک بیماری (به‌ویژه در آغاز پاندمی کرونا) ستاد ملی مقابله با کرونا در قالب دستورالعمل‌هایی سعی می‌کرد برگزاری مراسم سوگواری را در اشکال مختلف آن در بهشت زهرا ممنوع سازد و در مقابل از برگزاری مراسم در شکل مجازی آن دفاع می‌کرد. تا قبل از دوره کرونا، بهشت زهرا در مقام یک فضای فرهنگی نقش مهمی در تسکین عمومی آلام، فغان‌ها و مویه‌های بازماندگان داشت. به لحاظ تاریخی شکل‌گیری این آرامستان (از سال ۱۳۴۵ به بعد) در تهران، که با حذف و ادغام آرامستان‌های متعدد همراه بود تا حدودی آیین‌ها و مناسک مرگ را از تحولات مدرن اقتصادی متأثر می‌ساخت. تحت تأثیر این تحولات مناسک مرگ، پیچیدگی خاصی پیدا کرد و مدیریت عقلانی تدفین بر مدیریت احساسی و ارزشی چیرگی پیدا کرد. با ظهور پاندمی کرونا، بخش‌های بزرگی از آیین‌های فرهنگی حول مرگ، مفهوم و اهمیت اجتماعی خود را از دست دادند. مدیریت عقلانی بهشت زهرا تحت تأثیر دستورالعمل و قواعد سفت‌وسخت نظام پزشکی با ظن امکان آلوده شدن بازماندگان و آشنایان توسط بیماری کرونا، تدفین یک‌شبه و خلوت و غیراجتماعی مردگان را به‌عنوان اصلی ایمن در شرایط مخاطره‌آمیز بیماری تجویز کرد. در پی این تحولات، مجموعه‌ای از مفاهیم و نظام‌های ارزشی در بده‌بستان بین مردگان/بازماندگان به شدت متحول شدند و اشخاص متوفی بدون به‌جای آوردن مناسک اجتماعی مرگ تدفین شدند. به نظر می‌رسد از لحظات آغازین مرگ متوفی تا تدفین او، برخی از کردارهای اجتماعی نظیر شیون دسته‌جمعی، پذیرایی از سوگواران و بستگان و بسیاری از کنش‌های عاطفی و مناسک دیگر در آرامستان دچار دگردیسی شدند و فقدان تسلی و سوگواری و ماتم طولانی پا به منصفه ظهور گذاشتند؛ چراکه فضای مجازی امکان‌رهایی و تخلیه روحی را برای بازماندگان فراهم نمی‌آورد. به نظر می‌رسد به دلیل عدم امکان تسلی، بسیاری از بازماندگان در عالم تنهایی

خویش بار غم و ماتم را به تنهایی به دوش می‌کشند. همچنین در این دوره با تدفین‌هایی یک‌شبه روبرو بودیم که امکان فرصت سوگواری را از سوگواران حتی در عالم تنهایی خویش می‌گرفت. به معنایی مرگ به شکلی غیرمنتظره در بیمارستان رخ می‌داد و خیلی سریع به ظن شیوع بیماری شخص متوفی بدون مناسک سوگواری خاصی تدفین می‌شد. این شکل از مرگ، قرابت با آیین‌های سوگواری ایرانی ندارد، و بازمانده بدون هر نوع فرصت راستینی برای سوگواری مرده خویش را به خاک می‌سپارد. از یک سو جدایی محتضران از بازماندگان در شرایط کرونا و سپردن امور به بیمارستان و از سوی دیگر تدفین سریع به دلیل احتمال شیوع بیماری، بازماندگان را با شرایط حادی به لحاظ روانی مواجه می‌ساخت.

گسترش و ویروس کرونا در شهر تهران منجر به عقلانی شدن بیشتر جامعه شد و احساسات به تدریج قربانی منطق ایزاری شد. در پی ظهور سوگواری مجازی به‌بهای حفظ جان افراد و مصون ماندن از بیماری، یک‌شبه مناسک سوگواری سنتی به کناری نهاده شد. با نامرئی شدن جسد، به کنار نهادن مراسم خاکسپاری (نظیر تلقین، نماز میت) و همچنین غیاب افراد در سوگواری حضوری، مناسک سوگواری تعلیق شدند و جای خود را به تکه‌هایی از اجراهای مناسک‌گونه مجازی نظیر عرض تسلیت‌های مجازی، کنش‌های آنلاین سوگواری (استوری کردن، انتشار تصاویر) و... دادند. جایگزین شدن این کنش‌های سوگوارانه مجازی به جای کنش‌های حضوری، هرچند در شرایط خطرات جانی ویروس کرونا مزایای عدیده‌ای را به همراه داشت و سبب صرفه‌جویی در هزینه‌های سرسام‌آور تدفین و ترحیم می‌شد، اما باین حال فقدان این مراسم‌ها سبب اثراتی بر احساسات و تجارب زیسته سوگواران شد و منجر به جدایی بازماندگان از آیین‌های کهن مرگ شد. در معنایی با به حاشیه رفتن آیین‌های سنتی مرگ گورستان‌ها در مقام یک مکان فرهنگی/تاریخی برای تسلی خاطر بازماندگان حذف شد و جای خود را به مجموعه‌ای از نشانه‌ها، فانتزی‌ها و تصاویری داد که امکان تسلی گرفتن از آن‌ها ممکن نبود. از چنین منظری فقدان بازنمایی مکان در تجربه بین اذهانی سوگواران مجازی در نهایت امکانی برای تسلی و تسکین بازماندگان میسر نمی‌سازد. به نظر می‌رسد مسکوت ماندن این ابژه‌ها و عدم بازنمایی آن‌ها نشانگر تلاش برای پس زدن مناسک دسته‌جمعی مرگ است. فردی شدن مناسک مرگ در سوگواری مجازی و تفسیر و برداشت شخصی از آن، سبب حذف و طرد مناسک سوگواری سنتی می‌شود. اگر در سوگواری سنتی، گورستان‌ها به مکانی برای یادآوری تجربه فقدان و همزمان هضم و رفع مرگ بدل می‌شوند و نظام اجتماعی از طریق

آیین‌های عزاداری سعی می‌کند احساسات را مدیریت عقلانی کند، در سوگواری مجازی مناسب آنلاین و به‌شدت شخصی شده جایگزین این مناسک جمعی می‌شود تا هر فردی در انزوا و تنهایی خویش تلاش کند با تجربه فقدان کنار بیاید. درحالی‌که در سوگواری حضوری، نظام اجتماعی از خلال حمایت‌های اجتماعی به بازماندگان کمک می‌کند تا راحت‌تر با تجربه فقدان یک شخص عزیز کنار بیاید، تجربه‌ای که مکان‌هایی نظیر گورستان‌ها نقش مهمی در عملی شدن آن ایفا می‌کنند؛ در سوگواری مجازی مکانیزم‌های اجتماعی همیارانه فائق آمدن بر درد نبود دیگری از رونق می‌افتند و جای خود را به مناسک مجازی نظیر لایک‌ها، کامنت‌ها و عرض تسلیت‌های مجازی می‌دهند.

به‌طور کلی باتوجه به اینکه در سوگواری مجازی بسیاری از بازماندگان با رخدادهای تروماتیک و شوک‌های روانی ناگهانی و بحران‌آفرین مواجه می‌شدند، کاوش در معنای این سوگواری سبب می‌شود که زخم‌ها، رنج‌ها و دردهای آن‌ها دست‌کم در بستر یک کار پژوهشی شنیده شده و احساسات و تأثراتشان به نحوی از انحا روایت شود. روایت کردن و عدم سرکوب این احساسات دو مزیت دارد: نخست آنکه این دست از پژوهش‌ها خود را رسانه‌ای می‌دانند برای بیان کردن شوک‌ها، ضربه‌ها و سفرهای روانی طاقت‌فرسا و دردناک بازماندگان در طی دوران کووید ۱۹؛ از این منظر پژوهش حاضر نیز به سهم خود اگرچه راهبردی درمان‌خواهانه، بلکه رویکردی همدردانه را اتخاذ کرده است تا خطاب به مصاحبه‌شوندگان و جماعت سوگواران ایرانی بر زبان آورد که همدردی در پژوهش امری محتمل است. همچنین این پژوهش به سهم خود تلاش می‌کند با بیان کردن لحظات دردناک بازماندگان، تفاوت‌های این نوع از سوگواری را با سوگواری سنتی از لحاظ اجتماعی برای اندیشوران علوم اجتماعی و سیاست‌گذاران روشن‌تر سازد. به‌علاوه باتوجه به ضعف‌ها و خلأهای پژوهش‌های اجتماعی در رابطه با تجربه سوگواری مجازی، پژوهش حاضر بر آن است این امر را تا حدودی مرتفع سازد. این پژوهش با توجه به چنین مقتضیاتی به دنبال آن است که با سرک کشیدن در کاوش پدیدارشناختی معنای سوگواری در عصر کرونا، تجربه زیسته افراد سوگوار تهرانی را در سوگواری مجازی بررسی کند.

مروری بر ادبیات پیشین

در رابطه با تجربه زیسته سوگواران در سوگواری مجازی پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. اکثر این پژوهش‌ها با استفاده از رهیافت کیفی و رویکرد پدیدارشناختی

صورت گرفته‌اند. در بین پژوهش‌های داخلی، محسن کیانی و فخرالسادات هاشمی‌نسب (۱۳۹۹) از جمله پژوهش‌های قابل‌تأمل در این حوزه بوده است. یافته‌های آن‌ها نشانگر استفاده سوگواران از آیین‌های مجازی سوگواری برای ابراز همدردی با خانواده متوفی بود. سایر پژوهش‌های صورت گرفته در ایران (برای نمونه، بهار و جبارپور، ۱۴۰۰)؛ سید علیرضا افشانی و همکاران (۱۳۹۹)، علی احمدی و همکاران (۱۳۹۹)، عاملی و همکاران (۱۳۹۸) و ... بدون ارجاع به مبحث تجربه زیسته سوگواران مجازی، صرفاً بعدی از سوگواری مجازی را بررسی کرده‌اند. در بخش مطالعات خارجی نیز، پژوهش‌های استاد هاشمی و همکاران (۲۰۲۲)، کارابولوت^۱ (۲۰۲۲)، یونگ چی چن^۲ (۲۰۲۲)، تستونی^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، مرتضوی و همکاران (۲۰۲۱)، فخرروچی^۴ (۲۰۲۱)، تایلک و سگدا^۵ (۲۰۲۰)، مک ایون و شیفر^۶ (۲۰۱۳) و جی.فینلی و کروگر^۷ (۲۰۱۱)، از جمله مطالعات مهم در زمینه تجربه زیسته سوگواران مجازی است. این مطالعات بسته به چشم‌انداز نظری، با تمایز بین سوگواری سنتی و مجازی، از یک سو به فقدان‌های سوگواری مجازی در قیاس با شکل سنتی آن اشاره می‌کنند، از دیگر سو، برخی دیگر از این مطالعات بدون اشاره به این فقدان‌ها، صرفاً از مزایای سوگواری مجازی صحبت به میان می‌آورند. در بین مطالعات مربوط به مزایای مثبت سوگواری مجازی، می‌توان به پژوهش‌های تستونی و همکاران (۲۰۲۱)، تایلک و سگدا (۲۰۲۰)، شیفر و مک ایون (۲۰۱۳) و جی.فینلی و کروگر (۲۰۱۱) اشاره کرد. یک نمونه از این پژوهش‌ها، تایلک و سگدا، (۲۰۲۰) نشان دادند که شیوه‌های عزاداری مجازی به کاربران کمک می‌کند تا با عزاداری و اندوه پس از مرگ یکی از عزیزان کنار بیایند. گروه دیگری از این مطالعات (برای نمونه، استاد هاشمی و همکاران (۲۰۲۲)، یونگ چی چن (۲۰۲۲)، مرتضوی و همکاران (۲۰۲۱) و فخرروچی (۲۰۲۱)) با قیاس بین سوگواری سنتی و مجازی، در قالب احساساتی نوستالژیک برتری را به شکل سنتی سوگواری در قیاس با شکل آنلاین آن می‌دهند. به عنوان یک نمونه از این پژوهش‌ها، یافته‌های یونگ چی چن (۲۰۲۲) نشان داد کسانی که به‌طور فیزیکی در یک مراسم تشییع جنازه یا مراسم یادبود حضوری شرکت کردند، سطح پایین‌تری از ناراحتی روانی را در مقایسه با دیگران گزارش کردند.

-
- 1 Merve Karabulut
 - 2 Cliff Yung- Chi Chen
 - 3 Ines Testoni
 - 4 Moch Fakhruroji
 - 5 Grzegorz Tylec & Joanna Szegda
 - 6 McEwen & Scheaffer
 - 7 Christopher J. Finlay & Guenther Krueger

به‌طور کلی مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در این حوزه نشانگر این است که اکثر پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است در قالب یک چشم‌انداز روان‌شناختی به بررسی مسئله تجربه زیسته سوگواران مجازی پرداخته‌اند؛ پژوهش حاضر برخلاف این پژوهش‌ها سعی کرده است در قالب یک رویکرد جامعه‌شناختی مسئله سوگواری را واکاوی کند. علاوه بر این، برخلاف پژوهش‌های دیگر در این حوزه، پژوهش مذکور به‌جای پرداختن به نحوه بازنمایی مناسب سوگواری در فضای مجازی، به‌صورت مستقیم تجربه بین‌ذهانی سوگواران مجازی را بررسی کرده است. در واقع پژوهش مذکور بیش از آنکه به دنبال بررسی کنش‌های سوگوارانه مجازی در رسانه‌های اجتماعی باشد، به دنبال کاوش پدیدارشناختی تجربه‌های زیسته افراد سوگوار در سوگواری مجازی است. یکی دیگر از تفاوت‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که پژوهش مذکور بیش از آنکه از مزایای سوگواری حضوری یا مجازی در قالب گزاره‌های جهت‌دار سخن بگوید، به بررسی تجربه زیسته سوگواران مجازی پرداخته است.

چارچوب نظری

نظریه نوربرت الیاس^۱ در رابطه با سرکوب مرگ در دوران مدرن چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. از نظر الیاس همپای مدرن شدن تدریجی جامعه و چیرگی فزاینده مدرنیته بر بدن، مرگ همچون بسیاری از احساسات و عادات کهن بشری سرکوب شد. به باور الیاس، به‌دلیل چیرگی پدیده فردگرایی بر ساحت اجتماعی، از یک سو بسیاری از افراد در عالم تنهایی خویش جان می‌سپارند و از سوی دیگر محضران از صحنه حیات اجتماعی به پس‌زمینه‌های حیات اجتماعی رانده می‌شوند. او بر این اعتقاد است در دوره مدرن اکثر مرگ‌ها عمدتاً در فضاهایی ناخوشایندی مانند بیمارستان رخ می‌دهند درحالی‌که در گذشته افراد در کنار خانواده خود جهان را وداع می‌گفتند. به زعم الیاس در دوره مدرن مرگ به انحای متفاوتی سرکوب می‌شود و از هر نوع خاطره یادآورنده آن پیشگیری می‌شود. در سطح فردی، الیاس همچون فروید استدلال می‌کند سوژه هر اندیشه خیالی یا فانتزی مرگ را از خود دور کرده و سرکوب می‌کند، چرا که مرگ دیگری همواره دربردارنده مقادیری از احساسات ناخودآگاهانه آرزومندانه برای تقاضای مرگ کسی است. این آرزوهای ناخودآگاهانه منجر به حس گناه در انسان عصر مدرن می‌شود و برای اینکه این آرزو و احساسات ناخوشایند، او را به لحاظ روحی

1 Norbert Elias

آزار ندهد، مسئله مرگ سرکوب می‌شود. در سطح اجتماعی نیز از هنگامه مواجهه با شخص محتضر و تا هنگامه بدل شدن مرده به جسد، مجموعه‌ای از مناسک اجتماعی جایگزین مناسک کهن شده و مرگ به شکل همه جانبه‌ای سرکوب می‌شود. از آنجا که مواجهه با افراد محتضر، نشانگر یادآوری فرجام زندگی و پایان‌پذیری حیات است و همچنین چهره محتضر نشانگر پایان لذات مادی و چیرگی واقعیت مادی بر ساحت فانتزی است، سوژه مدرن خود را نزدیکی به محتضر دور نگه می‌دارد و آن‌ها را به پست‌سوهای اجتماعی طرد می‌کند. طرد افراد محتضر همپای پیشرفت در علم پزشکی رخ می‌دهد؛ زیرا علم پزشکی وعده زندگی طولانی و تأخیر در روند مرگ را می‌دهد. علاوه بر این الیاس به مسئله فقر زبان به عنوان یکی دیگر از پیامدهای سرکوب مرگ در دوره مدرن اشاره می‌کند. او اشاره می‌کند در هنگام آداب تسلیت گفتن، سوژه مدرن نمی‌تواند عمیقاً با خانواده متوفی همدردی کند، چرا که دامنه لغاتی که در چنین وضعیتی به کار می‌روند محدود هستند. او به پریشانی زبان و بر زبان آوردن جملات کلیشه‌ای اشاره می‌کند که همه این‌ها نشانگر عدم امکان همدردی راستین با بازماندگان است. علاوه بر این الیاس اشاره می‌کند بازماندگان به دلیل توداری و فقدان خودانگیختگی در بیان احساسات همدلانه، توانایی همدردی با محتضران را ندارند، امری که نشانگر مطرود شدن آن‌ها پیش از واقع شدن مرگ است. به زعم او نزدیکان افراد محتضر اغلب عاجزند از این که با اثبات محبت و علاقه خویش، آنان را پشت گرمی و تسلی ببخشند. برای آن‌ها فشردن دستان انسان‌های دم مرگ یا نوازش کردن‌شان، و نشان دادن اینکه حمایت و دل‌بستگی‌شان به ایشان نقصان نیافته است، بسیار سخت شده است. تابوی بیش از حد رشد کرده تمدن، بیان احساسات نیرومند و خودانگیخته را منع می‌کند، زبان‌هایشان را بند می‌آورد و دستشان را می‌بندد. به زعم الیاس زندگان به نحو نیمه‌آگاهانه احساس می‌کنند که مرگ چیز مسری و تهدیدآمیزی است؛ آن‌ها ناخواسته از جوار محتضران عقب‌نشینی می‌کنند (الیاس، ۱۳۹۸: ۲۷-۵۴). الیاس همچنین به مناسک بیمارستانی مرگ در دوره مدرن اشاره می‌کند. از نظر او در دوره مدرن برخلاف دوره‌های گذشته، مناسک‌هایی مانند در سردخانه گذاشتن مرده، تحویل میت به بازماندگان و کفن‌ودفنش، هرچه بیشتر از دست خانواده، خویشاوندان و دوستان خارج شده و به دست متخصصان حقوق‌بگیر سپرده شده است. به زعم او این تغییر و تحولات مدرن نشانگر تلاش برای از خاطر زدودن مرگ در عرصه آگاهی بشری است (الیاس، ۱۳۹۸: ۵۴). نهایتاً اینکه الیاس به روندهای طولانی شدن و همزمان بی‌معنا شدن زندگی بر اثر پیشرفت‌های علم پزشکی در

دوره مدرن اشاره می‌کند. از نظر او علی‌رغم پیشرفت علم پزشکی در افزایش امید به زندگی بشر، زندگی در این دوره عاری از معنا و ارزش است.

همچنین در مورد ظهور سوگواری مجازی در مقام آلت‌رناتیو سوگواری سنتی در دوره پاندمی کرونا نکاتی را لحاظ داشت. در شکل سنتی و تا قبل از تجدید ساختار مناسک و آیین‌های سوگواری در فضای مجازی، سوگ در مقام یک واکنش طبیعی به بازماندگان کمک می‌کرد تا به نحوی از انجا با تجربه فقدان متوفی کنار آمده و به زندگی عادی برگردند. زبان سوگواران مهم‌ترین رسانه برای بیان ناراحتی‌ها، غم‌ها، ماتم و پریشانی‌ها بود و زبان همچون رانه نیرومندی تجربه سوگواران را به‌نوعی سنت و تجربه ماندگار بدل می‌کرد. اما ورود سوگواران به فضای مجازی برای روایت و بازآفرینی سوگواری در دوره پاندمی کرونا، معضلاتی مانند «سوگواری پیچیده، سوگواری طولانی‌مدت، سوگواری در انزوا و...» به وجود آورد. به نظر می‌رسد که فقر زبان جهت روایت کردن تجربه‌های سوگواری، یکی از معضلات این نوع از سوگواری باشد. برخی از پژوهشگران نشان دادند که بسیاری از سوگواران مجازی به دلیل عدم قدرت زبانشان در انتقال درست معانی نمی‌توانستند به نحو درست و مقتضی آداب سوگواری را به‌جا بیاورند. بسیاری از سوگواران با نوعی اکراه و بی‌رغبتی مناسک آنلاین سوگواری را به‌جا می‌آوردند. به نظر می‌رسد فضای مجازی با حذف حضور فیزیکی افراد، بسیاری از ژست‌های بدنی را که نقش مهمی در ابراز همدردی با بازماندگان ایفا می‌کردند، به محاق فرو برده‌اند. علاوه بر این، پدیده‌هایی مانند حذف آرامستان‌ها از قلمرو دیدرس‌پذیری عمومی، حذف مناسک دفن و بسیاری دیگر از آیین‌های سوگواری، سبب مسئله‌دار شدن این نوع از سوگواری شده است (برک و همکاران، ۲۰۱۹؛ اتکیند و همکاران، ۲۰۲۰؛ میاجیما و همکاران، ۲۰۱۴؛ رایت و همکاران، ۲۰۰۸).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پدیدارشناسی تفسیری انجام می‌گردد. در این روش پژوهشگر جوهره تجربه‌های انسانی را در مورد یک پدیده، آن‌طور که توسط مشارکت‌کنندگان توصیف می‌شود؛ شناسایی می‌کند. در این روش پژوهشگر با تأکید بر معانی تاریخی تجربه و اثرات تکوینی‌شان روی سطوح فردی و اجتماعی تمرکز می‌کند. روش پدیدارشناسی تفحص در تجربه است بدان نحوی که زیسته شده و درون آگاهی ساخت‌یافته است. اما آنچه در مطالعه این تجربه در معنای

نمود پدیدارها در آگاهی به میانجی خود تجربه اهمیت دارد و مفروضه روش‌شناسی این پژوهش است، نه توصیف صرف پدیدارهای متجلی شده در آگاهی‌های مبتنی بر اصولی همچون بی‌طرفی، حقایق جهانی و غیره، همچنان که مدنظر هوسرل است، بلکه تفسیر آن است (خالق پناه، ۱۳۹۹). همچنین جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمقی نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد. پژوهشگر سعی کرد تا جایی که ممکن است مصاحبه‌شوندگان روایت‌های خود را از تجارب زیسته خود در رابطه با پدیده محوری پژوهش حاضر ارائه دهند. بسته به بافت روایت‌ها، مصاحبه‌کننده سؤالات اکتشافی مانند «می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟» این گزاره شما به چه معناست؟ نظر شما در این رابطه چیست؟ و ... را مطرح کرد. مدت‌زمان مصاحبه‌ها ۱۰ تا ۴۵ دقیقه بسته به تمایل شرکت‌کننده و روند گفتگو به طول انجامید. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور همزمان انجام شد. برای این منظور در ادامه مصاحبه‌ها، فایل‌های صوتی پس از چند بار گوش دادن کلمه به کلمه رونویسی شد. برای انجام تحلیل از روش تفسیر کلایزی^۱ (Morrow, et al., 2015) استفاده شد که براساس آن، متون مصاحبه در گام اول چندین بار مطالعه شد تا محقق به‌طور کلی با زمینه هر مصاحبه آشنا شود. در مرحله دوم، عبارات واضح و قابل توجهی که تجربیات مصاحبه‌شونده از سوگوار می‌جازی در طول اپیدمی کووید ۱۹ را تشریح می‌کرد، شناسایی و بر جملات مربوطه خط‌کشی شد. «معانی» استخراج شده از گزاره‌های مهم در مرحله بعد ثبت شد و محقق سعی کرد معانی فرموله‌شده را در قالب جملات و عبارات کوتاه بیان کند (Colaizzi, 1978). در مرحله چهارم، همانطور که در روش کلایزی نشان داده شد، معانی فرموله شده در خوشه‌هایی از مضامین مرتبط سازماندهی شدند. سپس در مرحله بعد محقق تمامی نتایج به‌دست‌آمده را در قالب شرحی جامع بیان کرد. این توصیف جامع به تعیین ساختار اساسی تجربه کمک کرد. «معانی» استخراج‌شده از گزاره‌های مهم در مرحله بعد ثبت شد و محقق سعی کرد معانی فرمول‌بندی شده را در قالب جملات و عبارات کوتاه با براکت بیان کند (Colaizzi, 1978). در مرحله چهارم، همانطور که در روش کلایزی نشان داده شد، معانی فرموله شده در خوشه‌هایی از مضامین مرتبط سازماندهی شدند. سپس در مرحله بعد محقق تمامی نتایج به دست آمده را در قالب شرحی جامع بیان کرد. این توصیف جامع به تعیین ساختار اساسی تجربه کمک کرد. در گام ششم، توصیف جامع در قالب یک توصیف متراکم خلاصه شد که به وضوح ساختار بنیادی تجربه را به تصویر می‌کشید (Polit, &

1 Colaizzi's interpretation

(Beck, 2004). در گام هفتم، براساس روش کلایزی، نتایج تحقیق به شرکت‌کنندگان برگردانده شد تا از نظر میزان کسب تجربیات توسط آن‌ها تأیید شود. معیار تکمیل نمونه‌گیری رسیدن به حد اشباع بود که در آن داده‌های جدید به دست آمده از سه مصاحبه نهایی هیچ تغییری در یافته‌های موجود ایجاد نکرد. در تحقیق حاضر، دقت در فرآیندهای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمد. برای تأیید داده‌های تحقیق، طبق گام هفتم روش کلایزی، داده‌ها به تعدادی از اعضای خانواده‌های متوفیان بازگردانده شد تا از اعتبار مضامین و زیرمضامین اطمینان حاصل شود (Morrow, et al., 2015) و هیچ تغییری در داده‌ها ایجاد نشد. علاوه بر این، ترکیبی از چندین روش جمع‌آوری داده‌ها، از جمله مصاحبه فردی و یادداشت‌های میدانی، استفاده شد. در این مطالعه، تمامی مصاحبه‌ها توسط دو فرد مستقل کدگذاری شدند و مغایرت‌ها در جلسات تحقیقاتی برای تصمیم‌گیری نهایی مورد بحث قرار گرفت و از بررسی تخصصی و بررسی هم‌تا نیز برای اطمینان از قابل قبول بودن نتایج مطالعه استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه سوگواران تهرانی بود که در طی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ یکی از بستگان‌شان را در طی پاندمی کرونا از دست داده بودند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۱۷ نفر بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پژوهشگر به‌طور کلی جهت انتخاب نمونه‌ها، آن‌هایی را انتخاب کرد که در دوره‌های پیک کرونا به دلیل شرایط وخیم بیماری امکان برگزاری مراسم سوگواری به شکل حضوری را نداشتند و مجبور بودند جهت برون‌ریزی احساسات ماتم‌گونه خویش روی به سوگواری مجازی بیاورند. به‌طور کلی در مصاحبه‌های پایانی به دلیل عدم دریافت مفاهیم و مقولات تازه اشباع نظری حاصل گردید و فرایند مصاحبه گرفتن متوقف گردید. از مجموع ۱۷ مصاحبه، در نهایت ۴۳۹ کدگذاری باز استخراج گردید که در نهایت در قالب ۸۷ کد دسته‌بندی شدند. پس از بررسی کدهای مقولات و شناسایی مقولات محوری، در نهایت ۷ مقوله محوری در کدگذاری‌های گزینشی شناسایی شد که این مفاهیم، عملاً برساننده الگوی نظری پژوهش بودند.

به‌طور کلی در طی مصاحبه برخی از مصاحبه‌شوندگان به دلایلی نظیر عدم شرایط روحی مناسب، تلاش برای فراموشی ترومای شخصی ناشی از درگذشت عزیزان، بدبینی نسبت به فرایند مصاحبه و ... سعی می‌کردند تا جایی که ممکن است پاسخ‌های کوتاه و تیترواری به پژوهشگر بدهند. علاوه بر این برخی از مصاحبه‌شوندگان از فرایند مصاحبه به‌طور کلی طفره

رفتند و پژوهشگر مجبور شد مصاحبه‌های دیگری را انجام بدهد. در جداول زیر مشخصات مصاحبه‌شوندگان و همچنین فرایند کدگذاری گزینشی داده‌ها آورده شده است.

جدول مشخصات مصاحبه‌شوندگان

نام	نسبت شخص متوفی با او	علت درگذشت
مریم	دختر	تصادف
حمید	پدر	بیماری کرونا
مژگان	همسر	بیماری کرونا
علی	همسر	بیماری کرونا
علی	پدر	کپهولت سن
شینم	همسر	بیماری کرونا
بهاره	پسر عمه	بیماری آسم
پریسا	مادر	بیماری کرونا
ناهید	پسر	بیماری کرونا
امیر	خواهر	بیماری کرونا
مهدی	پدرزن	بیماری سرطان
سپیده	همسر	بیماری کرونا
مهران	خواهر	تصادف
شایان	پدر	بیماری کرونا
محمد	پدر	ایست قلبی
مهسا	پدر	بیماری کرونا
سارا	مادر	بیماری کرونا

جدول کدگذاری گزینشی داده‌ها و شکل‌گیری مفاهیم محوری

تعداد کدها	مقولات	مفاهیم محوری
۱۴	احساسات غم‌آلود، تعقیب و سواس‌آمیز اخبار کرونایی، عدم اعتقاد به خصلت شفا‌آمیز سوگواری مجازی	خسران مضاعف
۳۱	خاکسپاری‌های بدون وداع، سوگ ناقص و عدم تسلی، عدم رضایت‌بخشی، عدم همدردی، برگزاری خلوت مراسم، پوچی، غیرکارگشا بودن و اجباری بودن سوگواری مجازی، تدفین‌های یک‌شبه	سوگواری سترون
۷	تعویق مراسم سوگواری تا لحظه موعود، برگزاری جبرانی مراسم سوگ،	همزیستی سوگواری

تعداد کدها	مقولات	مفاهیم محوری
	برگزاری همزمان مناسک سوگ مجازی و حضوری	سنتی و مجازی
۱۲	گسیختگی تجربه سوگ، برگزاری سوت و کور مراسم	گسیختگی سوگواری
۸	کسب همدلی، جست‌وجوی تسکین، کاربری فناوری‌های ارتباطی، تلاش برای کسب آرامش	آرامش صوری
۴	تعلق سوگوار به اجتماع سوگواران، اهمیت طرز تفکر جامعه بازماندگان	پیوندمندی با متوفی
۱۱	فرارتن از محدودیت‌های مکانی، امکان سوگواری غریبان، سوگواری ایمن، غلبه منطق عقلانیت بر احساسات و نفی سنت‌های دست‌وپاگیر، آرامش صوری، فراتر رفتن از انزوای کامل	رهایی‌بخشی

یافته‌های توصیفی پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش پدیدارشناسی در پی تفسیر تجربه زیسته سوگواران مجازی در طی دوران پاندمی کرونا بوده است. خاطرات و روایت‌های سوگواران تهرانی در طی مصاحبه‌های عمقی نیمه‌ساختار یافته منبع اصلی برای کاوش، توصیف و تفسیر تجربه زیسته شرکت‌کنندگان در مطالعه بوده است.

خسران مضاعف

مقوله حاضر نشانگر لحظاتی نظیر پریشانی، ناراحتی، غم، هراس، خفت و خواری در طی مراسم سوگواری مجازی بود. به عبارتی سوگواری مجازی نه تنها مایه تسلی و تسکین و آرامش نبود، بلکه حاوی خسروانی عظیم بود و همراه خود تجاربی مانند پریشانی، ناراحتی و حتی خفت و خواری را به بار می‌آورد. برخی از مشارکت‌کنندگان در مطالعه پس از مرگ متوفی‌شان به نحو وسواس‌آمیزی اخبار روزانه کرونا (تعداد فوتی‌ها، تعداد بیماران بستری شده بدخیم، تعداد ورود بیماران، تعداد شهرهای آلوده، تعداد افراد آلوده شده و ...) را چون تعقیب کرده بودند، هیچ اعتقادی به خصلت شفا بخش فضای مجازی به صورت کل و سوگواری مجازی نداشتند. آن‌ها به صورت اجبار آمیزی برخی از کردارهای آنلاین سوگواری (پخش اعلامیه فوت، بارگذاری عکس و فیلم در شبکه‌های اجتماعی، دریافت پیامک‌ها و ...) را اجرا کردند اما پس از مدتی نه تنها التیام نیافتند، بلکه برعکس دچار تروماهای عاطفی شدند. چندین نفر از مصاحبه‌شوندگان از تجربه افسردگی حاد سخن گفتند و برخی دیگر از احساساتی نظیر خفت و خواری بعد از

برگزاری مراسم سوگواری مجازی سخن گفتند، چرا که بر این اعتقاد بودند مراسم شایسته‌ای برای متوفی برگزار نکرده‌اند و به‌همین خاطر در لحظاتی احساسات گناه‌آلودی تجربه کرده، خود را در پاره‌ای از مواقع مقصر دانسته و به‌نحوی خود را مستوجب عذاب می‌دانستند. مجموعه این مسائل نشانگر «خسران مضاعف» بود. در همین رابطه اظهارات دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در زیر آورده شده است:

مریم ۴۵ ساله که دخترش را بر اثر تصادف از دست داده بود عنوان کرد: «سوگواری مجازی به حس تنهایی و بی‌کسی عجیبی به ما داد؛ اینقدر قلب ما رو به درد آورد که هنوزم درگیر اون هستیم؛ فک می‌کنم دیگر نمی‌توانیم اون حس اول رو داشته باشیم».

حمید غم‌دیده‌ای است که پدرش را با کرونا از دست داده است. او از تجربه این روزهایش اینطور می‌گوید: «بعد از ابتلا به کرونا خیلی سریع و غریبانه پدرم رو دفن کردیم... هنوز که هنوزه ما سوگواریم... به‌شدت احساس بدی دارم، افسرده‌ام... حتی نتونستیم برای پدرجانم مراسم سوگواری بگیریم... مادرم بعد مرگ پدرم تنها تر شده... میدونم زندگی‌مون دیگه مته سابق همیشه... پدرم دیابت داشت، وقتی فوت کرد ما حتی نتونستیم در غم فقدانش گریه کنیم... تنهای تنها بودیم... خدا میدونه چه لحظاتی داشتیم...».

سوگواری سترون

مقوله حاضر نشانگر مجموعه‌ای از تداعی‌ها، معانی، دلالت‌ها و نشانه‌ها حول اموری نظیر «خاکسپاری‌های بدون وداع، سوگ ناقص و عدم تسلی» بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مطالعه اذعان کردند تجربه خوشایند، رضایت‌بخش و شفاف‌بخشی از سوگواری مجازی نداشته‌اند. از نظر آن‌ها نه سیل پیامک‌های تسلیت، نه پیام‌ها و متون خشک‌و‌خالی و حتی تصاویر و فیلم‌های سرد و بی‌روح از نحوه تدفین و برگزاری خلوت و با فاصله مراسم و نه حتی پخش مناسک آنلاین و فیلمبرداری از نحوه تدفین هیچ‌کدام تسلی‌بخش نبودند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مطالعه گزارش دادند که هرچند بالاچار به‌صورت مجازی مراسم سوگواری را برگزار کردند، اما همدردی لازم را از طریق این فضا به دست نیاوردند. چندین نفر از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که هنوز نتوانسته‌اند فقدان و مرگ متوفی را باور کنند و مصاحبه‌شوندگان همچنین از برگزاری مراسم آنلاین به شکل خلوت و با حضور تعداد کم افراد به نحو ناخوشایندی سخن گفتند. اکثر مراسم‌ها در شکل آنلاین با حضور جمعیتی زیر صد نفر

برگزار شده بود و بار غم اصلی به دوش خانواده متوفی بود. آن‌ها احساس می‌کردند به حال خویش در این شرایط رها شده‌اند و علی‌رغم اطلاع‌رسانی دقیق و مکرر درباره زمان شروع مراسم و دعوت بستگان و دوستان به آنان، باین حال جمعیت لازم و موردنظر به استقبال مراسم نیامده بودند. در همین رابطه مژگان که همچنان داغدار همسرش بود و بر اثر کرونا او را از دست داده بود، عنوان کرد: «اصلاً مراسم سوگواری آنلاین مطابق انتظارمون پیش نرفت... استقبال به حدی پایین بود که به شدت دلمون رو به درد آورد... همش می‌گفتیم چرا... فک می‌کردیم مستحق این مراسم نبودیم...».

برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از منظر دیگری، به سترون بودن سوگواری مجازی اشاره کردند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به پوچی، غیرکارگشا بودن و اجباری بودن سوگواری مجازی سخن گفتند. مرگ به شکلی غیرمنتظره و ناگهانی برای یکی از اعضای خانواده رخ می‌داد و خیلی سریع بیماری عود پیدا می‌کرد و جان یکی از عزیزان خانواده را می‌گرفت. شخص متوفی بدون مناسک سوگواری خاصی تدفین می‌شد. تدفین‌های یک‌شبه و حتی گاهاً چندساعته و فوتی فوری امکان فرصت سوگواری را از سوگواران حتی در عالم تنهایی خویش می‌گرفت و آن‌ها حتی در پاره‌ای از مواقع به ظن بیمار بودن وارد دوران قرنطینه می‌شدند. سوگواری مجازی به شکلی اجباری و غیرانتخابی برای آن‌ها صورت می‌گرفت و آشنایان و دوستان علاوه بر فرستادن پیام تسلیت برای آن‌ها، با پخش اعلامیه‌های در شبکه‌های اجتماعی سعی می‌کردند خود را در مرگ صاحبان عزا شریک سازند، اما با این حال آن‌ها در انزوا و به دور از دیدار آشنایان مجبور بودند با غم فقدان دیگری به نحوی کنار بیابند.

در همین رابطه علی ۳۵ در رابطه با مرگ همسرش عنوان کرد: «خیلی ناگهانی درگذشت؛ او به بیماری کرونا مبتلا شد و دو روز بعدش فوت کرد و ما بدون هیچ آمادگی امکان حتی خداحافظی با او رو نداشتیم... با وجود اینکه پیامک‌های تسلیت، کنفرانس‌های مجازی و تماس‌های تلفنی خیلی از آشنایان و دوستان برامون فرستادن؛ احساس پوچی می‌کردیم...».

به نظر می‌رسد از آنجاکه سوگواری کنشی جمعی برای کمک به التیام زخم‌های روحی بازماندگان است، و به‌نوعی فریادرس آن‌ها برای تاب آوردن رنج فقدان و بازگشت به زندگی است؛ در دوران کرونا، سوگواری مجازی به‌دلیل خصلت غیرآیینی‌اش افراد سوگوار را در عالم تنهایی خویش رها کرد و فرایند سوگواری به شکل ناقصی طی شد. در همین رابطه شب‌نم که همسرش را به‌دلیل بیماری زمینه‌ای در دوره کرونا از دست داده بود، عنوان کرد: «هنوز که

هنوزه سوگوارم... خیلی غریبانه همسرم را از دست دادم و در این دوران چون اوایل کرونا بود، به شدت احساس تنهایی می‌کردم».

به نظر می‌رسد ناقص بودن فرایند سوگواری در این نوع از سوگواری باعث می‌شود که فقدان مرگ عزیز، و ضربات روحی ناشی از آن تا مدت‌های مدیدی در شخص سوگوار حضور داشته باشد. بسیاری از این دسته از سوگواران از حالت‌های روانی بعد از سوگواری ناقص خود مانند افسردگی، پریشانی و انزوای فراگیر سخن گفتند.

بهاره که پسر عمه ۴۵ ساله‌اش را بر اثر بیماری آسم در دوران کرونا از دست داده بود؛ در همین رابطه عنوان کرد: «واقعاً روزهای عجیب و بارونکردنی‌ای بود، عزیزمون رو از دست داده بودیم، ولی نمی‌توانستیم کنار همدیگر باشیم و همین باعث می‌شد تا هفته‌ها و ماه‌ها بعد هم داغش تازه بمونه».

پریسا نیز که مادرش بیماری زمینه‌ای داشت با کرونا از دست داد. او اینگونه تجربه خویش را برای ما روایت کرد:

«مامانم رفته بود بیرون پیش دوستاش... دو ساعت بعدش با حال آشفته و پریشان برگشت خونه و گفتش سردرد شدید دارم... یه چند ساعت نگذشته بود حالش خیلی بد شد... سریع رسوندیشم بیمارستان اونجا به عنوان بیمار بدخیم کرونایی شناسایی‌اش کردند... خیلی دعا کردیم دوباره ببینیمش... دیگه مامانمو ندیدیم».

همزیستی سوگواری سنتی و مجازی

مقوله حاضر ناظر بر پیونددهی بین آیین‌ها و مناسک سوگواری مجازی و حضوری بود. غیاب یا فقدان تسکین مناسک مجازی در پاره‌ای از مواقع به‌میانجی پاره‌ای از آیین‌ها، مناسک و عادت‌واره‌های سوگواری سنتی جبران مافات می‌شد. مناسک مجازی در زمانه تنهایی و انزوای افراد در اوج پاندمی کرونا اگرچه همچون مناسک سوگواری سنتی قادر به القای همدردی و تسلی خاطر به سوگواران برای بازگشت به زندگی عادی نبودند، اما در عین حال قادر بود فضایی برای رفع تنش‌های روانی و برون‌ریزی احساسات ماتم‌زا برای گروهی از افراد سوگوار فراهم آورد. در همین رابطه امیر در همین رابطه عنوان کرد: «خواهرمون در بیمارستان پرستار بود و فوت کرد... ما تو دوره پیک بیماری چون نتوانستیم مراسم برایش برگزار کنیم، تصمیم گرفتیم در سالگردش برایش مراسم برگزار کردیم با شکوه تمام. ما چهلم هم گرفتیم... اما تو

دوره فوت خواهرم به حدی ناراحت بود، تو اینستاگرام اعلامیه فوتش رو استوری کردم... خیلیا بام همدردی کردن و یکمی احساس آرامش کردم...».

این دسته از افراد با علم به تسکین نیافتن با این نوع سوگواری، تصمیم گرفتند روی به مراسم جبرانی بگیرند و بعد از پشت سر گذاشتن پاندمی کرونا، مراسم را حضوری برگزار کنند. به نوعی این دسته از افراد سوگواری کردن را تا لحظه مناسب به تعویق می‌انداختند و ارضای روحی/روانی را تنها از طریق سوگواری سنتی امکان‌پذیر می‌دانستند.

گروهی دیگر از شرکت‌کنندگان در مطالعه در قالب روایت‌های استیصال‌گونه، اعلام کردند چون مراسم سوگواری مجازی، مراسم کامل و درخوری برای متوفی و بازماندگان نبوده است، سعی کردند در زمان و فرصت مناسبی مراسم جبرانی را حضوری برگزار کنند یا اینکه همزمان با سوگواری مجازی، قطعات یا بخش‌های از کردارهای آیینی سوگواری سنتی را برگزار کردند. بسیاری از این دسته از مصاحبه‌شوندگان با نوعی افسوس آرزوی بازگشت به عصر سوگواری سنتی داشتند و از فقدان این مراسم با لحنی حسرت‌آمیز سخن می‌گفتند. در همین زمینه ناهید ۵۸ ساله بیان کرد: «من پسرم رو به علت کرونا از دست دادم... مراسم رو به صورت مجازی برگزار کردیم، ولی خیرات رو برای کسایی که می‌شناختیم به صورت بسته‌های حک شده پخش کردیم؛ بردیم در خونه‌هاشون؛ شاید اینجوری به خودمون آرامش بیشتری بدیم. حس و حال خیلی بد و عذاب‌آوری بود چون به نظر من هیچ چیزی جای تسلی رودرد رو نمی‌گیره».

در سوگواری مجازی بسیاری از سوگواران احساس می‌کردند به نحوی ناخواسته در حق عزیز از دست رفته کوتاهی کردند و احساس عذاب وجدان می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند آنچنان که باید مراسم درخوری برای متوفی نگرفته‌اند. این احساسات باعث پیچیده‌تر شدن پدیده سوگواری مجازی می‌شد و به همین دلیل سعی می‌کردند به نحوی برای شخص متوفی جبران مافات کنند. مهدی ۳۶ ساله که پدرزنش را بر اثر بیماری سرطان در اوایل کرونا از دست داده بود، عنوان کرد: «ما به علت قرنطینه سفت‌وسخت اولیه، حدود ۶۰ نفر در فضای باز در مراسم سوگواری شرکت کردند و بقیه آشناها از طریق فضای مجازی، یا با تلفن کردن به ما تسلیت گفتند. ما چون لر سمت خرم‌آباد هستیم، خانواده‌های زیادی در مراسم سوگواریمان شرکت می‌کنند و به علت اینکه در این زمان‌ها امکان سوگواری نداشتیم، خیلی احساس بی‌معنایی و

پوچی می‌کردیم و عذاب وجدان داشتیم چون فک می‌کردیم مراسمی که شایسته او بود برایش نگرفتیم. ما بعد از دوره پیک کرونا برایش یک مراسم سالگرد شایسته گرفتیم».

گسیختگی سوگواری

یکی دیگر از تجربه‌های رایج شرکت‌کنندگان، تجربه منقطع، ازهم‌گسیخته و غیرمنسجم مرگ و سوگواری بود که باعث می‌شد مرگ متوفی برای برخی از بازماندگان غیرقابل باور به نظر برسد. با توجه به لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مراسم سوگواری در این دوره بدون آداب و رسوم خاصی برگزار شد که مرگ متوفی را باورنکردنی کرده و تجربه روانی بیماری و ضایعه را نامنسجم می‌ساخت. همه این چیزها گویا کابوسی بودند که در قالب قطعاتی از تصاویر و نشانه‌های تیره‌وتار در جلوی چشمان سوگوار رژه می‌رفتند. همه‌چیز برق‌آسا و طوفانی و غیرقابل باور رخ داده بود و بعد از مرگ متوفی، بدون اینکه مراسمی برگزار شود، به صورت پراکنده و غیرمنسجم دوستان و آشنایانی که خبر فوت متوفی را شنیده بودند به نحوی از انحا از طریق اپلیکیشن‌های مجازی پیام تسلیت برای خانواده متوفی فرستاده بودند. مراسم سوگواری مجازی به صورت سوت‌و‌کور برگزار شده بود و در آن تقریباً هیچ‌کدام از رسوم و سنن سوگواری حضوری به صورتی منسجم بازسازی نشده بود. نه از فاتحه‌خوانی و قرآن‌خوانی دسته‌جمعی خبری بود، نه از نماز شب اول قبر و نه از جمع شدن افراد در بستری مجازی برای تسلیت گفتن به بازماندگان. سایه مرگ متوفی بر بازماندگان سنگینی می‌کرد و آن‌ها به نحو انفعالی خود را مصیبت‌زده‌ای قلمداد می‌کردند که حتی نتوانسته بودند حداقل‌هایی از مناسک سوگواری را به‌جا بیاورند. در همین رابطه سپیده که همسرش را بر اثر بیماری کرونا از دست داده بود این‌گونه روایت کرد: «انگار که خواب دیده باشم، همه‌چیز خیلی سریع و بدون برنامه‌ریزی رخ داد... نه مراسم دفنمون رو یادم میاد نه فک می‌کنم مراسم سوگواری گرفته باشیم... کلاً چندتا استوری و اعلامیه گذاشتیم تو اینستامون... یک سری از افرادم به ما پیام تسلیت گفتن... جنازه همسر رو حتی نتونستم لمس کنم و بغلش کنم... هیچ‌کسی تو خاکسپاریش حضور نداشت فقط خودم بودم و پسرآم... خیلی باورنکردنی بود فک می‌کردم خواب دارم می‌بینم... همه چیز غیرقابل باور بود برام نه خودم و نه پسرآم مرگ همسر رو باور نکردیم...».

شرکت‌کنندگان در مطالعه فاقد روایت منسج، مشخص و معینی از چگونگی برگزاری مراسم بودند و همین امر آن‌ها را در پذیرش یا عدم پذیرش مرگ دیگری به حالت اغما فرو برده بود.

آرامش صوری

مقوله حاضر ناظر بر تلاش برای کسب همدلی، بازیابی و جست‌وجوی تسکین و کسب همدردی از طریق فضاهای جایگزین بود. مجموعه‌ای از ابزارهای ارتباطی نظیر تماس تلفنی، تماس صوتی و تصویری، انتشار یادگارهای متوفی در شبکه‌های اجتماعی، برگزاری مراسم ترحیم با ویدئوهای زنده در اینستاگرام با حضور خانواده به کار گرفته شدند تا بازماندگان در حین اجرای برخی از کردارها و آیین‌های مناسک سنتی نظیر فاتحه‌خوانی، قرآن‌خوانی، تسلیت فرستادن و ... از طریق این ابزارهای ارتباطی دلخوشکنی برای خویش به ارمغان آورند. مشارکت‌کنندگان احساس می‌کردند این کنش‌ها و کردارهای آنلاین هرچند قابل قیاس با مناسک سوگواری حضوری نیست، اما باین‌حال در زمانه قرنطینه سفت‌وسخت و تهدیدات مخرب ویروس کرونا، می‌تواند آرامشی موقتی برای بازماندگان به همراه آورد. همچنین در دوران کرونا از آنجاکه عبور و مرور افراد در شهرهای گوناگون دشوارتر بود و هم‌چنین امکان گردهمایی افراد و برگزاری مناسک سوگواری به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران غیرممکن بود، ابزارهای ارتباطی نظیر تماس صوتی و تصویری به کار گرفته شدند تا بازماندگان را از انزوای کامل خارج سازند.

در این رابطه برخی از پاسخگویان اظهار داشتند هنگام فوت عزیزانشان جهت ابراز غم خویش یک کارزار اینترنتی راه انداختند که طی آن بیشتر نزدیکان خانواده متوفی پروفایل‌های پیام‌رسان‌های اجتماعی خویش را به رنگ مشکی درآورده و برخی دیگر که رابطه نزدیک‌تری (پدر، برادر، مادر، خواهر، همسر و ...) با متوفی داشتند تصویر او را به عکس اصلی پروفایل خود تبدیل می‌کردند تا بدین‌طریق تسکینی حداقلی برای خویش فراهم آورده و دیگران را نیز برای انجام مناسک مشابه با خود همراه سازند. برخی دیگر از طریق استوری گذاشتن‌های مکرر در اینستاگرام بخش‌هایی از حیات متوفی تا لحظه مرگ او را برای مخاطبان به تصویر می‌کشیدند و عرض تسلیت دیگران به او منجر به اثرات تسکین‌بخشی می‌شد.

در همین رابطه علی که پدرش را بر اثر کپولت سن از دست داده بود عنوان کرد: «خواهرم تو تلگرام یک گروه تسلیت مجازی تشکیل داد... آشنایان و دوستان به مدت سه شب، رأس

ساعت ۹ به مدت ۴۵ دقیقه قرار گذاشتند برای آموزش روح پدرم قرآن بخوند و صلوات بفرستند... تو اون شرایط این جلسات تا حدودی برای ما آرامش بخش بود.»

مهران نیز تجربه خویش از آن روزها را اینگونه برای ما روایت کرد: «پس از درگذشت خواهرم که بر اثر تصادف جانشون رو از دست داده بودند، عمیقاً افسرده بودم... بعد از دو روز از درگذشتش یک کلیپ از لحظات باهم بودنمون را ساختم و تصاویرش را تو پیج شخصیم استوری کردم... خیلیا بهم تسلیت گفتن و این تسلیت مقداری تسکین بخش بودند.»

پیوند مندی با متوفی

مقوله حاضر ناظر بر تعلق سوگوار به اجتماع سوگواران از طریق ابراز و اثبات علاقه وافر به متوفی است. بسیاری از سوگواران مجازی از طریق کنش‌هایی نظیر بدل کردن تصویر متوفی به عکس پروفایل خود، به رنگ سیاه درآوردن آن و هم‌چنین پخش تصاویری از حیات متوفی به دنبال برقراری پیوند بین خود و جامعه متوفی از طریق ابراز علاقه نمادین به متوفی بودند. برخی دیگر از سوگواران با منتشر کردن عکس‌های یادگاری، یادداشت‌ها و فیلم‌های کوتاه شخصی از متوفیان در گروه‌های مجازی نوعی هویت اشتراکی بین بازماندگان و متوفیان به وجود می‌آورند. در واقع یافته‌های این پژوهش نشان از اهمیت طرز تفکر جامعه بازماندگان نسبت به سوژه‌های سوگوار بود. در دوران کرونا بازماندگانی که امکان برگزاری مراسم سوگواری را نداشتند، از طریق چنین کنش‌هایی هویت خویش و میزان سوگوارشدن و ناراحتی‌شان را ابراز می‌کنند. در واقع به نظر می‌رسد هرچند بسیاری از مناسک و آیین‌های سوگواری حذف شده‌اند، اما باین حال هنجارهای اجتماعی ناملموسی وجود دارند که در آن در مورد میزان وفاداری بازماندگان به قضاوت می‌نشینند. در همین رابطه محمد که پدرش را در دوران پاندمی بر اثر ایست قلبی از دست داده بود، در همین رابطه عنوان کرد: «هر کدوم از خواهرام یا برادرام تصویر بابامون رو عکس پروفایلشون تو تلگرام یا اینستاگرام کردند و به فاصله هر یک ساعت یک استوری در مورد پدرم می‌گذاشتند... منم بعداً همین کارو کردم چون حس می‌کردم درست یا غلط این کار باید انجام بشه.»

رهایی بخشی

رهایی بخشی به عنوان یک مضمون بر آمیزه‌ای از احساسات اشاره دارد که شرکت‌کنندگان در قالب مفاهیمی نظیر «فرارفتن از محدودیت‌های مکانی، امکان سوگواری غریبان، سوگواری

ایمن، غلبه منطق عقلانیت بر احساسات و نفی سنت‌های دست‌وپاگیر» به آن اشاره کردند. به‌طور کلی دو گروه از شرکت‌کنندگان به مقوله حاضر اشاره کردند. در دسته نخست در نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، فضای مجازی همچون نوعی تسکین و مرهم و حتی درمان قلمداد شده است که به‌نحوی از انحصار سوگواری کردن و ابراز احساسات ماتم‌زا را برایشان فراهم آورده است.

برای بسیاری از سوگواران در طی دوره کرونا، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ابراز تسلیت و برگزاری مراسم سوگواری، نه نشانه تهدید و محدودیت و خسران، بلکه حاوی خصلت‌های رهایی‌بخشی ولو صورت موقتی بود. این دسته از سوگواران اغلب از کسانی بودند که به‌طور کلی نتوانسته بودند حمایت‌های اجتماعی لازم را برای مرگ عزیزان خویش در طی پاندمی کرونا بیابند. علاوه بر این برخی از این سوگواران، کسانی بودند که به‌طور ناگهانی با مرگ یکی از اعضای خانواده یا عزیزانشان مواجه شده بودند؛ مرگی آنچنان تراژیک که آن‌ها را در شوک فرو برده و فرصت سوگواری راستین را از آن‌ها گرفته بود. برای این دسته از مصاحبه‌شوندگان، استفاده از شبکه‌های اجتماعی جهت فروافکنی غم‌ها و مویه‌هایشان، نشانگر نوعی آرامش‌جویی بود. شبکه‌های اجتماعی از این منظر رهایی‌بخش بودند که نه تنها ابرازی ایمن و مصون در مواجهه با پاندمی کرونا بودند، بلکه همچنین بستری برای ابراز و بیان احساسات و محلی برای سوگواری کردن بودند. شبکه‌های اجتماعی علاوه بر این، به‌دلیل خصلت‌هایی نظیر شبکه‌سازی، پیونددهندگی، فرازمان و فرامکانی و نمایش‌دهندگی در لحظه، امکان به اشتراک‌گذاری سوگ را برای جمعیتی فراتر از آشنایان فراهم آورد که این امر به معنای چیرگی بر محدودیت‌های مکان است. علاوه بر این برخلاف رسانه‌های چاپی نظیر تراکت که پیامی را به‌صورت محدود و ثابت می‌فرستند، در سوگواری مجازی عزاداران می‌توانند پیام‌های تسلیت را در قالب ادبیات متفاوتی عرضه کنند و همزمان به شکل صوتی، تصویری و متنی محتوای موردنظر را به بازماندگان ارسال کنند.

همچنین شبکه‌های اجتماعی امکان اطلاع‌رسانی سریع و گسترده را در رابطه با مرگ متوفی برای بازماندگان فراهم آورده است که این امر بدین معنی است که هر کسی می‌تواند با انتشار اخبار مرگ شخص از دست‌رفته، جمعیت بزرگ‌تری از افراد را متوجه رخداد سوگواری سازد. سوگواران می‌توانند با ارسال عکس‌ها، نظرات، عقاید و ... غم و اندوه خود را ابراز کنند. از چنین منظری اینترنت به یک فضای زندگی تبدیل می‌شود که به نیازهایی که در دنیای واقعی

ارضا نمی‌شود پاسخ می‌دهد و به افراد این امکان را می‌دهد تا بُعدی را ایجاد کنند که در آن عزاداری‌شان از نظر اجتماعی به اشتراک گذاشته شود. به‌علاوه فضای مجازی از این منظر رهایی‌بخش است که به سوگواران اجازه می‌دهد به راحتی اطلاعات مربوط به افراد متوفی، اشکال بزرگداشت و اشکال حمایت روانی و معنوی را از طریق اینترنت ارائه کنند.

برای این گروه از مصاحبه‌شوندگان استفاده از شبکه‌های اجتماعی نشانگر رعایت پروتکل‌های بهداشتی و جلوگیری از سرایت بیماری به دیگران بود. به‌عبارتی برای این سوگواران، سوگواری مجازی نشانگر فراتر رفتن از انزوای کامل و سرخوردگی‌ها و افسردگی متعاقب آن بود. در همین رابطه، شایان که پدرش را در بر اثر بیماری کرونا از دست داده بود عنوان کرد: «پدرم خیلی ناگهانی مرد... باور نمی‌کردیم از آخرین دیدارمان تا زمان مرگ بیشتر از دو سه روز طول نکشید... تنها کاری که می‌توانستیم انجام دهیم این بود که از طریق اینستاگرام یک مراسم آنلاین از لحظه خاکسپاریش برگزار کردیم... به‌جز خود اعضای خانواده کس دیگری در مراسم نبود... پخش مراسم خاکسپاریش از طریق اینستاگرام تا حدودی برای ما آرامش‌بخش بود».

مهسا که پدرش را بر اثر کرونا از دست داده بود عنوان کرد: «چند نفر از اعضای درجه یک خانواده را به خونمون دعوت کردیم... قاری و مداح و سخنرانم آوردیم... با رعایت فاصله و پروتکل‌های بهداشتی مراسم رو شروع کردیم... یک میز که حاوی تصویر پدرمون بود را گذاشتیم وسط، یک شمع و یک سینی خرما هم کنارش... مراسم رو این شکلی به‌صورت آنلاین در اینستاگرام شروع کردیم تا آشنایان و دوستان دیگه و حتی کسانی که به طریقی با پدرم مرحوممون آشنا بودند، مراسم را به‌صورت زنده نگاه کنند... تقریباً دویست سیصد نفر مراسم رو به‌صورت آنلاین دیدند... کلی پیام همدردی دریافت کردیم. ما از همه دوستان و آشنایان خواستیم برای شادی روح مرحوم پدرمون دعا کنند... فک می‌کنم مراسم آبرومندان‌های برگزار کردیم».

همچنین برای برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مطالعه، سوگواری مجازی از این منظر رهایی‌بخش بود که نه تنها ابزار مهمی برای در امان ماندن از بیماری و عدم ابتلا به آن بود، بلکه درعین حال به‌معنای غلبه منطق بر احساسات و به کنار نهادن مناسک‌های دست‌وپاگیر قدیمی و عدم صرف هزینه‌های غیرعقلانی بود. از نظر برخی از پاسخگویان، این نوع از سوگواری باعث رواج عزاداری‌های بدون هزینه و تقریباً رایگان می‌شود. با عدم نیاز به تهیه تراکت، چاپ بنر و

حتی تهیه غذا، سوگواری به امری سهل‌الوصول‌تری بدل می‌شود. اما می‌توان منطق مذکور را در پرتو سرکوب فزاینده «مرگان‌اندیشی» در دوره کرونا تفسیر کرد؛ کارکردی که منجر به تحول آیین‌های عرض تسلیت در سوگواری مجازی می‌شود. تم حاضر نشانگر چیرگی عقلانیت ابزاری بر ساحت سوگواری است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان با پس زدن لحظات اگزستانسیالیستی سوگواری، خود عمل سوگواری را فرایندی بیهوده، خطرناک و نوعی بطالت در طی دوره کرونا تفسیر می‌کردند و بنابراین آن‌ها از سوگواری مجازی دفاع می‌کردند. از چنین منظری، به نظر می‌رسد رژیم سرمایه‌داری با سرکوب اندیشه مرگ، که عملی غیرمولد و ضد ارزش‌های سرمایه‌داری قلمداد می‌شود، افراد را مجبور می‌سازد با گریز از لحظه اندیشیدن به مرگ، و تبعید آن به ناخودآگاه جمعی جامعه، منطق سود را بر احساسات حکمفرما سازد که در نتیجه آن سوگواری به امری مبتذل و بی‌فایده بدل گردد. در این میان برای برخی از سوگواران در دوره کرونا، هرچند مهم بود که به نحوی از انحا توسط دوستان یا آشنایان تسلی بیابند، اما با توجه به پیچیده‌تر شدن زندگی مدرن در شهر تهران، و تورم افسارگسیخته، بسیاری از آن‌ها اعلام کردند سوگواری مجازی به دلیل کاهش هزینه‌های مادی برای آن‌ها سودمند بوده است. علاوه بر این در دوره مدرن با فرایند سرکوب مرگ مواجهیم، این امر در فرایند کرونا با چیرگی فزاینده رژیم سرمایه‌داری بر حیات بشری تشدید شد. بسیاری از خانواده‌های سوگوار در طی دوره‌های قرنطینه سفت‌وسخت اجازه برگزاری مراسم خاکسپاری معمول را نداشتند و بدون امکان خداحافظی از عزیزانشان، آن‌ها را دفن می‌کردند. برای سوگواری راستین، هر فردی باید زمان کافی برای تأمل و اندیشیدن به عزیز از دست رفته و کل فرایند سوگواری داشته باشد، اما در طی دوره کرونا و همگام با مقتضیات رژیم سرمایه‌داری، سوگواری به شکلی ناقص از سرگذرانده شد، چرا که بسیاری از سوگواران از ترس و بیروس کرونا، مجبور بودند در کوتاه‌ترین زمان ممکن فرایند سوگواری را طی کنند. برای آن‌ها، سوگواری مجازی این امکان را فراهم می‌ساخت یک‌شبه فرایند سوگواری را هرچند به شکلی ناقص برگزار کنند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در همین رابطه عنوان کردند که به «به‌دلیل فشار کاری بالا و محدودیت‌های شغلی» نمی‌توانستند سوگواری را به شکل حضوری برگزار کنند، چرا که در صورت بیمار شدن، مجبور بودند متقبل هزینه‌های مالی سرسام‌آوری شوند. به‌عبارتی برای این دسته از مصاحبه‌شوندگان، سوگواری مجازی نشانگر منطقی‌ترین تصمیم و غلبه منطق بر احساسات خام بود. آن‌ها در چنین اوضاع و احوالی در توصیفاتشان، سوگواری مجازی را امری رهایی‌بخش

قلمداد می‌کردند. در همین رابطه سارا ۲۸ ساله که مادرش را طی این دوران بر اثر بیماری کرونا از دست داده بود، در رابطه با نقاط قوت سوگواری مجازی در مقایسه با سوگواری حضوری عنوان کردند: «به نظر من این نوع مراسمات مجازی وقت کمتری از افراد می‌گیرند و بعضی از هزینه‌های اضافی را از دوش افراد داغ‌دیده برمی‌دارند. یکی دیگر از نکات مثبت این مراسمات این بود که خطر انتقال بیماری کرونا را به شدت کم می‌کرد».

بحث

از هنگام بدل شدن مرده به یک جسد، بازماندگان جهت تاب‌آوری فقدان دیگری و تسلی یافتن مناسک و آیین‌هایی را در مواجهه با مرگ برگزار می‌کنند. با ظهور و شیوع ناگهانی ویروس کرونا، جامعه تغییرات فرهنگی/اجتماعی عظیمی از سر گذراند و بخش‌های زیادی از مناسک مرگ حذف، سانسور و متحول شدند. حذف، سانسور و متحول شدن مناسک مرگ منجر به پیامدهای اخلاقی، اجتماعی، روان‌شناختی فراگیری شد و به تدریج مباحثی مانند ماتم طولانی، تدفین سوت‌وکور و تشریفات غیراجتماعی کفن و دفن وارد گفتمان عمومی شد. در ایران ورود ویروس کرونا عمیقاً مراسم سوگواری را متحول ساخت و علی‌رغم مقاومت‌هایی در برابر گفتمان عمومی پزشکی‌بنیان مبتنی بر فاصله‌گیری اجتماعی، در پاره‌ای از مواقع به‌ویژه در شهر تهران بخش‌هایی از مراسم سوگواری به فراموشی سپرده شد. مدیریت عقلانی بهشت زهرا تحت تأثیر دستورالعمل‌ها و قواعد سفت‌وسخت نظام پزشکی با ظن امکان آلوده شدن بازماندگان و آشنایان توسط بیماری ویروس کرونا، تدفین یک‌شبه و خلوت و غیراجتماعی مردگان را به عنوان اصلی ایمن در شرایط مخاطره‌آمیز ویروس کرونا تجویز کرد. در پی این تحولات، مجموعه‌ای از مفاهیم و نظام‌های ارزشی در بده‌بستان بین مردگان/بازماندگان به شدت متحول شدند و اشخاص متوفی بدون به‌جای آوردن مناسک اجتماعی مرگ تدفین شدند. پژوهش حاضر که در قالب یک رویکرد پدیدارشناختی صورت گرفته حاوی یافته‌هایی در رابطه با عدم امکان تسلی در سوگواری مجازی بود. برای بخش بزرگی از افراد، سوگواری مجازی همچون نوعی تقدیر و نوعی کنش انفعالی در برابر هجوم مرگ‌بار ویروس کرونا در نظر گرفته می‌شد. یافته‌های حاضر با یافته‌های بهار و جبارپور، (۱۴۰۰)؛ کیانی و هاشمی‌نسب، (۱۳۹۹)؛ استاد هاشمی و همکاران، (۲۰۲۲)؛ یونگ چی چن (۲۰۲۲) و صالحه مرتضوی و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود که هر یک به نحوی از انحا عدم امکان تسلی‌بخشی در سوگواری مجازی را روایت

کردند. به‌طور کلی بنا بر یافته‌های این پژوهش، سوگواری مجازی به روند طولانی‌مدت ماتم دامن می‌زد و سوگواران را با تلنباری از دردها و مصائب تحمل ناشدنی در عالم تنهایی خویش رها می‌ساخت.

نتیجه‌گیری

پس از شروع و گسترش ویروس کرونا در ایران، آیین‌های خاکسپاری و سوگواری در بسیاری از شهرها به‌ویژه تهران ممنوع شد و به‌دلیل خطرات جانی این ویروس بسیاری از خانواده‌ها در همراهی با سیاست‌ورزی‌های بهداشتی برای در امان ماندن از خطرات جانی بیماری و همچنین عدم ابتلای دیگران به آن تصمیم گرفتند مراسم سوگواری مجازی را جایگزین مناسک سوگواری سنتی سازند. رجوع بازماندگان به فضای مجازی برای برگزاری مناسک و آیین‌های سوگواری اگرچه منجر به عدم گسترش بیشتر بیماری و در امان ماندن از آن خطرات جانی ویروس کرونا شد، اما تغییر و تحولاتی در اشکال مرسوم مناسک سوگواری حضوری ایجاد کرد و پاره‌ای از مسائل نظیر سوگ پیچیده، عدم تسکین و عدم التیام افراد مطرح شد. در پاره‌ای دیگر از مواقع فضای مجازی کارکردهای دیگری برای سوگواران در اختیار می‌گذاشت به‌صورتی که آن‌ها می‌توانستند بسیار فراتر از محدودیت‌های مکانی/زمانی در شرایط گسترش مخرب ویروس پاره‌ای از مناسک سوگواری سنتی را به اجرا گذارند. در بخش حاضر تجربه‌های زیسته سوگواران مجازی بررسی شد. به‌صورت کلی سوگواران تجارب متناقضی از حضور در فضای مجازی داشتند و بسته به موقعیت و نوع تجربه‌زیسته، هر سوگواری پنداشتی از حضور از این فضا داشته است. به‌طور کلی پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یافته‌های این بخش از پژوهش در قالب ۷ کد محوری «سوگواری سترون، همزیستی سوگواری سنتی و مجازی، خسران مضاعف، گسیختگی سوگواری، آرامش صوری، پیومندمدی با متوفی و رهایی بخشی» توصیف و تفسیر شد.

یافته‌های پژوهش در رابطه با مقوله «خسران مضاعف» نشان داد که به‌طور کلی برای گروهی از مصاحبه‌شوندگان، سوگواری مجازی تجربه‌ای آسیب‌زا بود و مشارکت‌کنندگان در مطالعه هیچ خصلت شفافبخشی از مناسک مجازی به دست نیاورده بودند. چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از تجربه افسردگی حاد سخن گفتند و برخی دیگر از احساساتی نظیر خفت و خواری بعد از برگزاری مراسم سوگواری مجازی سخن گفتند، چرا که بر این اعتقاد بودند مراسم شایسته‌ای برای متوفی برگزار نکرده‌اند و به‌همین خاطر در لحظاتی احساسات

گناه‌آلودی تجربه کرده، خود را در پاره‌ای از مواقع مقصر دانسته و به‌نحوی خود را مستوجب عذاب می‌دانستند. مجموعه این مسائل نشانگر «خسران مضاعف» بود.

بخش دیگری از یافته‌های این مطالعه در رابطه با «سوگواری سترون» بود. مقوله حاضر نشانگر مجموعه‌ای از تداعی‌ها، معانی، دلالت‌ها و نشانه‌ها حول اموری نظیر «خاکسپاری‌های بدون وداع، سوگ ناقص و عدم تسلی» بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مطالعه اذعان کردند تجربه خوشایند، رضایت‌بخش و شفا بخشی از سوگواری مجازی نداشته‌اند. از نظر آن‌ها نه سیل پیامک‌های تسلیت، نه پیام‌ها و متون خشک و خالی و حتی تصاویر و فیلم‌های سرد و بی‌روح از نحوه تدفین و برگزاری خلوت و با فاصله مراسم و نه حتی پخش مناسک آنلاین و فیلمبرداری از نحوه تدفین هیچ‌کدام تسلی‌بخش نبودند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مطالعه گزارش دادند که هرچند بالاجبار به‌صورت مجازی مراسم سوگواری را برگزار کردند، اما همدردی لازم را از طریق این فضا به دست نیاوردند. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از منظر دیگری، به سترون بودن سوگواری مجازی اشاره کردند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به پوچی، غیرکارگشا بودن و اجباری بودن سوگواری مجازی سخن گفتند. مرگ به شکلی غیرمنتظره و ناگهانی برای یکی از اعضای خانواده رخ می‌داد و خیلی سریع بیماری عود پیدا می‌کرد و جان یکی از عزیزان خانواده را می‌گرفت. شخص متوفی بدون مناسک سوگواری خاصی تدفین می‌شد. تدفین‌های یک‌شبه و حتی گاهاً چندساعته و فوتی فوری امکان فرصت سوگواری را از سوگواران حتی در عالم تنهایی خویش می‌گرفت و آن‌ها حتی در پاره‌ای از مواقع به ظن بیمار بودن وارد دوران قرنطینه می‌شدند.

مقوله «همزیستی سوگواری سنتی و مجازی» ناظر بر پیونددهی بین آیین‌ها و مناسک سوگواری مجازی و حضوری بود. غیاب یا فقدان تسکین مناسک مجازی در پاره‌ای از مواقع به‌میانجی پاره‌ای از آیین‌ها، مناسک و عادت‌واره‌های سوگواری سنتی جبران مافات می‌شد. مناسک مجازی در زمانه تنهایی و انزوای افراد در اوج پاندمی کرونا اگرچه همچون مناسک سوگواری سنتی قادر به القای همدردی و تسلی خاطر به سوگواران برای بازگشت به زندگی عادی نبودند، اما درعین حال قادر بود فضایی برای رفع تنش‌های روانی و برون‌ریزی احساسات ماتم‌زا برای گروهی از افراد سوگوار فراهم آورد. این دسته از افراد با علم به عدم تسکین کافی توسط این نوع از سوگواری، تصمیم گرفتند روی به مراسم جبرانی بگیرند و بعد از پشت سر گذاشتن پاندمی کرونا، مراسم رو به‌صورت حضوری برگزار کنند. به‌نوعی این دسته از افراد

سوگواری کردن را تا لحظه مناسب به تعویق می‌انداختند و ارضای روحی/روانی را تنها از طریق سوگواری سنتی امکان‌پذیر می‌دانستند.

یکی دیگر از تجربه‌های رایج شرکت‌کنندگان، تجربه منقطع، ازهم‌گسیخته و غیرمنسجم مرگ و سوگواری بود که باعث می‌شد مرگ متوفی برای برخی از بازماندگان غیرقابل باور به نظر برسد. با توجه به لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مراسم سوگواری در این دوره بدون آداب و رسوم خاصی برگزار شد که مرگ متوفی را باورنکردنی کرده و تجربه روانی بیماری و ضایعه را نامنسجم می‌ساخت. همه این چیزها گویا کابوسی بودند که در قالب قطعاتی از تصاویر و نشانه‌های تیره‌وتار در جلوی چشمان سوگوار رژه می‌رفتند. همه‌چیز برق‌آسا و طوفانی و غیرقابل باور رخ داده بود و بعد از مرگ متوفی، بدون اینکه مراسمی برگزار شود، به‌صورت پراکنده و غیرمنسجم دوستان و آشنایانی که خبر فوت متوفی را شنیده بودند به نحوی از انحا از طریق اپلیکیشن‌های مجازی پیام تسلیت برای خانواده متوفی فرستاده بودند. مراسم سوگواری مجازی به‌صورت سوت‌و‌کور برگزار شده بود و در آن تقریباً هیچ‌کدام از رسوم و سنن سوگواری حضوری به صورتی منسجم بازسازی نشده بود.

مقوله «آرامش صوری» ناظر بر تلاش برای کسب همدلی، بازبایی و جست‌وجوی تسکین و کسب همدردی از طریق فضاهای جایگزین بود. مجموعه‌ای از ابزارهای ارتباطی نظیر تماس تلفنی، تماس صوتی و تصویری، انتشار یادگارهای متوفی در شبکه‌های اجتماعی، برگزاری مراسم ترحیم با ویدئوهای زنده در اینستاگرام با حضور خانواده به کار گرفته شدند تا بازماندگان در حین اجرای برخی از کردارها و آیین‌های مناسک سنتی نظیر فاتحه‌خوانی، قرآن‌خوانی، تسلیت فرستادن و ... از طریق این ابزارهای ارتباطی دلخوشکنی برای خویش به ارمغان آورند. مشارکت‌کنندگان احساس می‌کردند این کنش‌ها و کردارهای آنلاین هرچند قابل قیاس با مناسک سوگواری حضوری نیست، اما با این‌حال در زمانه قرنطینه سفت‌وسخت و تهدیدات مخرب ویروس کرونا، می‌تواند آرامشی موقتی برای بازماندگان به همراه آورد.

مقوله «پیوندندی با متوفی» ناظر بر تعلق سوگوار به اجتماع سوگواران از طریق ابراز و اثبات علاقه وافر به متوفی است. بسیاری از سوگواران مجازی از طریق کنش‌هایی نظیر بدل کردن تصویر متوفی به عکس پروفایل خود، به رنگ سیاه درآوردن آن و هم‌چنین پخش تصاویری از حیات متوفی به‌دنبال برقراری پیوند بین خود و جامعه متوفی از طریق ابراز علاقه نمادین به متوفی بودند. برخی دیگر از سوگواران با منتشر کردن عکس‌های یادگاری،

یادداشت‌ها و فیلم‌های کوتاه شخصی از متوفیان در گروه‌های مجازی نوعی هویت اشتراکی بین بازماندگان و متوفیان به وجود می‌آورند. در واقع یافته‌های این پژوهش نشان از اهمیت طرز تفکر جامعه بازماندگان نسبت به سوژه‌های سوگوار بود. در دوران کرونا بازماندگانی که امکان برگزاری مراسم سوگواری را نداشتند، از طریق چنین کنش‌هایی هویت خویش و میزان سوگوارشدن و ناراحتی‌شان را ابراز می‌کنند. در واقع به نظر می‌رسد هرچند بسیاری از مناسک و آیین‌های سوگواری حذف شده‌اند، اما با این حال هنجارهای اجتماعی ناملموسی وجود دارند که در آن در مورد میزان وفاداری بازماندگان به قضاوت می‌نشینند.

رهایی‌بخشی به‌عنوان یک مضمون بر آمیزه‌ای از احساسات اشاره دارد که شرکت‌کنندگان در قالب مفاهیمی نظیر «فرارفتن از محدودیت‌های مکانی، امکان سوگواری غریبگان، سوگواری ایمن، غلبه منطق عقلانیت بر احساسات و نفی سنت‌های دست‌وپاگیر» به آن اشاره کردند. به‌طور کلی دو گروه از شرکت‌کنندگان به مقوله حاضر اشاره کردند. در دسته نخست در نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، فضای مجازی همچون نوعی تسکین و مرهم و حتی درمان قلمداد شده است که به‌نحوی از انجا امکان سوگواری کردن و ابراز احساسات ماتم‌زا را برایشان فراهم آورده است. همچنین برای برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مطالعه، سوگواری مجازی از این منظر رهایی‌بخش بود که نه تنها ابزار مهمی برای در امان ماندن از بیماری و عدم ابتلا به آن بود، بلکه در عین حال به‌معنای غلبه منطق بر احساسات و به کنار نهادن مناسک‌های دست‌وپاگیر قدیمی و عدم صرف هزینه‌های غیرعقلانی بود. از نظر برخی از پاسخگویان، این نوع از سوگواری باعث رواج عزاداری‌های بدون هزینه و تقریباً رایگان می‌شود.

منابع

- احمدی، علی؛ عسگرزاده، سیدمحسن؛ شیرمحمدی، سمیه. ۱۳۹۹. «یادبود پس از مرگ کاربران در شبکه‌های اجتماعی (تحلیل نظرات کاربران در صفحات اینستاگرامی جان‌باختگان و بروس کرونا)». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. دوره ۶، شماره ۲۳. صص ۲۶۱-۲۹۴. پاییز.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ روحانی، علی؛ نعیمی، نگین. ۱۳۹۹. «پروفایل‌های داغ‌دیده مطالعه‌ای کیفی از بازنمایی فقدان در میان زنان داغ‌دیده یزدی». مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی. دوره ۸، شماره ۲. صص ۳۴-۹. پاییز.
- الیاس، نوربرت. ۱۳۹۸. «تنهایی دم مرگ» (ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی). تهران: گام نو.

- بهار، مهري؛ جبارپور، فائزه. ۱۴۰۰. «تغییرات آیین‌های سوگواری متوفی پس از کرونا و ارزیابی تأثیرات آن بر صاحبان عزاء». فصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، دوره ۲۸، شماره ۱. صص ۶۷-۹۰. بهار و تابستان.
- خالق‌پناه، کمال. ۱۳۹۹. «سنگینی دردها و تمرین صبوری با بدن: پدیدارشناسی تجربه زیسته دردهای مزمن در بیماران مبتلا به ام-اس». فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۲۷، شماره ۸۸. صص ۱۷۴-۱۴۵. بهار.
- عاملی، سعیدرضا؛ شکرخواه، یونس؛ منصوری، تمنا. ۱۳۹۸. «تجربه دوفضایی شده کاربران ایرانی از سوگواری مجازی: شبکه اجتماعی فیس‌بوک». فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۲۰، شماره ۴۸: ۷-۳۶. زمستان.
- کیانی، محسن؛ هاشمی‌نسب، فخرالسادات. ۱۳۹۹. «مطالعه پدیدارشناسی آیین سوگواری در مرگ‌های ناشی از ویروس کرونا». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره ۱۴، شماره ۴. صص ۱۲۷-۱۰۶. زمستان.
- Afshani, Seyed Alireza; Rouhani, Ali; Naimi, Negin. (2019). "Bereaved profiles, a qualitative study of the representation of loss among bereaved Yazdi women". Scientific Research Journal of Social and Cultural Development Studies. Volume 8, No. 2. pp. 9-34. Autumn. (In Persian)
- Ahmadi, Ali; Asgarzadeh, Seyed Mohsen; Shirmohammadi, Somayeh. (2019). "Memorial after the death of users in social networks (analysis of users' opinions on the Instagram pages of the victims of the corona virus)". New Media Studies Quarterly. Volume 6, Number 23. pp. 261-294. Fall. (In Persian)
- Ameli, Saeed Reza; Shokerkxah, Yunus; Mansouri, Tamna. (2018). "Iranian users' two-spatial experience of virtual mourning: Facebook social network". Quarterly Journal of Culture-Communication Studies, Volume 20, Number 48: 7-36. winter. (In Persian)
- Bahar, Mehri; Jabarpur, Faezeh. (1400). "Changes in the rituals of mourning the deceased after Corona and evaluating its effects on the mourners". Scientific-Research Quarterly of Religion and Communication, Volume 28, Number 1. pp. 67-90. spring and summer. (In Persian)
- Burke L. A., Neimeyer R. A., Bottomley J. S., Smigelsky M. A. (2019). Prospective risk factors for intense grief in family members of veterans who died of terminal illness. *Illness, Crisis & Loss*, 27(3), 147-171.
- Colaizzi, P. F. 1978. "Psychological research as the phenomenologist views it". In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-Phenomenological alternatives for psychology* (p. 6). Oxford University Press.
- Elias, Norbert. (2018). "Loneliness at the end of death" (translated by Omid Mehrgan and Saleh Najafi). Tehran: New step. (In Persian)
- Etkind, S. N., Bone, A. E., Lovell, N., Cripps, R. L., Harding, R., Higginson, I. J., & Sleeman, K. E. (2020). The role and response of palliative care and hospice services in epidemics and pandemics: a rapid review to inform practice during the COVID-19 pandemic. *Journal of pain and symptom management*, 60(1), e31-e40.

- Fakhruroji, M. 2021. "Texting condolences on WhatsApp as a mediatised mourning practice". *Human Behavior & Emerging Technologies*. 3(5): 677-686.
- Finlay, C.J., & Krueger, G. 2011. "A Space for Mothers: Grief as Identity Construction on Memorial Websites Created by Sids Parents". *OMEGA-Journal of Death and Dying*. 63(1): 21-44.
- Karabulut, M.H. 2022. "VIRTUAL GRIEVING IN THE TIMES OF COVID-19". A THESIS SUBMITTED TO THE GRADUATE SCHOOL OF SOCIAL SCIENCES OF MIDDLE EAST TECHNICAL UNIVERSITY.
- Kayani, Mohsen; Hashmi-Nasab, Fakhr al-Sadat. (2019). "Phenomenological study of mourning ritual in deaths caused by corona virus". *Iranian Journal of Social Studies*. Volume 14, Number 4. pp. 127-106. Winter. (In Persian)
- Khaleghpanah, Kamal. (2019). "Heaviness of pain and patient exercise with the body: phenomenology of chronic pain experience in MS patients". *Social Sciences Quarterly*, Allameh Tabatabai University, Volume 27, Number 88, pp. 145-174. Spring. (In Persian)
- McEwen, R.N., & Scheaffer, K. 2013. "Virtual Mourning and Memory Construction on Facebook: Here Are the Terms of Use". *Bulletin of Science, Technology & Society*. 33(3-4): 64-75.
- Miyajima K., Fujisawa D., Yoshimura K., Ito M., Nakajima S., Shirahase J., Mimura M., Miyashita M. (2014). Association between quality of end-of-life care and possible complicated grief among bereaved family members. *Journal of Palliative Medicine*, 17(9), 1025-1031.
- Morrow, R., Rodriguez, A., & King, N. 2015. "Collazo's descriptive phenomenological method". *The Psychologist*, 28(8), 643-644.
- Mortazavi, S.S., Shahbazi, N., Taban, M., Alimohammadi, A., & Shati, M. 2021. "Mourning during Corona: A Phenomenological Study of Grief Experience among Close Relatives during COVID-19 Pandemics". *OMEGA—Journal of Death and Dying*, 0(0): 1-22.
- Ostadhashemi, L., Alipour, F., Ahmadi, S., Sabzi Khoshnami, M., & Javadi, S.M.H. 2022. "Complicated Grief: The Lived Experiences of Those Bereaved by COVID-19". *OMEGA-Journal of Death and Dying*. 0(0): 1-14.
- Polit, D. F., & Beck, C. T. 2004. "Nursing research: Principles and methods". Lippincott Williams & Wilkins.
- Testoni, I., Azzola, C., Tribbia, N., Biancalani, G., Iacuna, E., Orikibi, H., & Azoulay, B. 2021. "The COVID-19 Disappeared: From Traumatic to Ambiguous Loss and the Role of the Internet for the Bereaved in Italy". *Front. Psychiatry*, 12: 1-11.
- Tylec, G., & Szegde, J. 2020. "A virtual grave: legal regulations of a new virtual social phenomenon". *Information & Communication Technology Law*. 29(2): 135-150.
- Wright A. A., Zhang B., Ray A., Mack J. W., Trice E., Balboni T., Mitchell S. L., Jackson V. A., Block S. D., Maciejewski P. K., Prigerson H. G. (2008). Associations between end-of-life discussions, patient mental health, medical care near death, and caregiver bereavement adjustment. *JAMA*, 300(14), 1665-1673.
- Yung-Chi Chen, C. 2022. "Grieving During the COVID-19 Pandemic: In-Person and Virtual "Goodbye" ". *OMEGA-Journal of Death and Dying*. 0(0): 1-17.